

از خبر گزاری پارس

۱۳ اردیبهشت - ۳

پیش فرمان هارشال استالین

از شرخ در تیپه ملک پروردگاری

خود در پای صافت مبارزه

چهارمین کلوپوت از مرز های کشور

س در آورده و مبارزه از سه بهار

خاک اتحاد جماهیر شوروی و از اتصاف

فاسیتی های آلمانی بیرون آورده است

اگون پایه تمازی از این کشور را از

و وجود همچنین فاشیست پایه دارد

کار در راهی سیاسته که از

خط طریق های کشور که تاریخی بازتر

و چندو ها اول خود دارد و از

پیشون گردن نیو های دهنی از سر

وین کشور خود پایه دنیا

کارخانه ما اذای ایام داد ولی ما

پیش کار کنیه و پیش بدلیات از شرخ

که نظرورش اخراج جانوران منفور

پیشیست در اسرع وقت از خاک شوروی

میباشد که نایم

کارخانه ما ایام داد ولی ما

فرمان هارشال استالین تهدید کرد

که نایم ایام داد ولی ما

بود و از کنیه بطری رومانی و مصادر

میشند غرق کرده اند.

های شورای های شوروی شوروی

ماشین ایزدرازی در ماه مه و یجه

تا موز آلمان غربی دند

اما پیش از نیز خوش و قیمه

پیش از شود رسیده باز همان خطر

فک است که بود - پس برای اینکه

ما کشور خود و کشور های متفرق نمود

و با استفاده ایشان بدلیات از سرخ

در لندن را در داخل لنه نهاد

و دلنشکر از اینجی در پیش توپ

کارخانه های شوروی های شوروی

پیش از شدن بدلیات ایشان ایام داد

و پیش از این کشور را در ماه مه و یجه

چنکل آلمان هستند و اگون گرفتار

پیش از شد و تیپه های میشه

کارخانه های شوروی های شوروی

که این شود رسیده باز همان خطر

و پیش از شد و تیپه های میشه

که این شود رسیده باز همان خطر

و پیش از شد و تیپه های میشه

که این شود رسیده باز همان خطر

و پیش از شد و تیپه های میشه

که این شود رسیده باز همان خطر

و پیش از شد و تیپه های میشه

که این شود رسیده باز همان خطر

و پیش از شد و تیپه های میشه

که این شود رسیده باز همان خطر

و پیش از شد و تیپه های میشه

که این شود رسیده باز همان خطر

و پیش از شد و تیپه های میشه

که این شود رسیده باز همان خطر

و پیش از شد و تیپه های میشه

که این شود رسیده باز همان خطر

و پیش از شد و تیپه های میشه

که این شود رسیده باز همان خطر

و پیش از شد و تیپه های میشه

که این شود رسیده باز همان خطر

و پیش از شد و تیپه های میشه

که این شود رسیده باز همان خطر

و پیش از شد و تیپه های میشه

که این شود رسیده باز همان خطر

و پیش از شد و تیپه های میشه

که این شود رسیده باز همان خطر

و پیش از شد و تیپه های میشه

که این شود رسیده باز همان خطر

و پیش از شد و تیپه های میشه

که این شود رسیده باز همان خطر

و پیش از شد و تیپه های میشه

که این شود رسیده باز همان خطر

و پیش از شد و تیپه های میشه

که این شود رسیده باز همان خطر

و پیش از شد و تیپه های میشه

که این شود رسیده باز همان خطر

و پیش از شد و تیپه های میشه

که این شود رسیده باز همان خطر

و پیش از شد و تیپه های میشه

که این شود رسیده باز همان خطر

و پیش از شد و تیپه های میشه

که این شود رسیده باز همان خطر

و پیش از شد و تیپه های میشه

که این شود رسیده باز همان خطر

و پیش از شد و تیپه های میشه

که این شود رسیده باز همان خطر

و پیش از شد و تیپه های میشه

که این شود رسیده باز همان خطر

و پیش از شد و تیپه های میشه

که این شود رسیده باز همان خطر

و پیش از شد و تیپه های میشه

که این شود رسیده باز همان خطر

و پیش از شد و تیپه های میشه

که این شود رسیده باز همان خطر

و پیش از شد و تیپه های میشه

که این شود رسیده باز همان خطر

و پیش از شد و تیپه های میشه

که این شود رسیده باز همان خطر

و پیش از شد و تیپه های میشه

که این شود رسیده باز همان خطر

و پیش از شد و تیپه های میشه

که این شود رسیده باز همان خطر

و پیش از شد و تیپه های میشه

که این شود رسیده باز همان خطر

و پیش از شد و تیپه های میشه

که این شود رسیده باز همان خطر

و پیش از شد و تیپه های میشه

که این شود رسیده باز همان خطر

و پیش از شد و تیپه های میشه

که این شود رسیده باز همان خطر

و پیش از شد و تیپه های میشه

که این شود رسیده باز همان خطر

و پیش از شد و تیپه های میشه

که این شود رسیده باز همان خطر

و پیش از شد و تیپه های میشه

که این شود رسیده باز همان خطر

و پیش از شد و تیپه های میشه

که این شود رسیده باز همان خطر

و پیش از شد و تیپه های میشه

که این شود رسیده باز همان خطر

و پیش از شد و تیپه های میشه

که این شود رسیده باز همان خطر

و پیش از شد و تیپه های میشه

که این شود رسیده باز همان خطر

و پیش از شد و تیپه های میشه

که این شود رسیده باز همان خطر

و پیش از شد و تیپه های میشه

که این شود رسیده باز همان خطر

و پیش از شد و تیپه های میشه

که این شود رسیده باز همان خطر

و پیش از شد و تیپه های میشه

که این شود رسیده باز همان خطر

و پیش از شد و تیپه های میشه

که این شود رسیده باز همان خطر

و پیش از شد و تیپه های میشه

که این شود رسیده باز همان خطر

و پیش از شد و تیپه های میشه

که این شود رسیده باز همان خطر

و پیش از شد و تیپه های میشه

که این شود رسیده باز همان خطر

و پیش از شد و تیپه های میشه

که این شود رسیده باز همان خطر

و پیش از شد و تیپه های میشه

که این شود رسیده باز همان خطر

و پیش از شد و تیپه های میشه

که این شود رسیده باز همان خطر

و پیش از شد و تیپه های میشه

که این شود رسیده باز همان خطر

و پیش از شد و تیپه های میشه

که این شود رسیده باز همان خطر

و پیش از شد و تیپه های میشه

که این شود رسیده باز همان خطر

و پیش از شد و تیپه های میشه

که این شود رسیده باز همان خطر

و پیش از شد و تیپه های میشه

که این شود رسیده باز همان خطر

و پیش از شد و تیپه های میشه

که این شود رسیده باز همان خطر

و پیش از شد و تیپه های میشه

که این شود رسیده باز همان خطر

و پیش از شد و تیپه های میشه

که این شود رسیده باز همان خطر

و پیش از شد و تیپه های میشه

که این شود رسیده باز همان خطر

و پیش از شد و تیپه های میشه

که این شود رسیده باز همان خطر

و پیش از شد و تیپه های میشه

که این شود رسیده باز همان خطر

و پیش از شد و تیپه های میشه

که این شود رسیده باز همان خطر

و پیش از شد و تیپه های میشه

که این شود رسیده باز همان خطر

و پیش از شد و تیپه های میشه

که این شود رسیده باز همان خطر

و پیش از شد و تیپه های میشه

که این شود رسیده باز همان خطر

و پیش از شد و تیپه های میشه

که این شود رسیده باز همان خطر

و پیش از شد و تیپه های میشه

که این شود رسیده باز همان خطر

و پیش از شد و تیپه های میشه

که این شود رسیده باز همان خطر

زیبای گهتمام

- ۴۰-

مارسلین هد و او دا مطابق معمول
پنجه رفت. آواز خوان صدای خودرا
قطع کرد.
- طلی عزیز نکر نکن ۰۰۰
بوفور نخواهد آمد . . . افکار خودرا
صرف نکهادی و تربیت فرزندت نما
مارسلین نیکاه مغوفی بهمه اش
نوده سیس خنده و حشتناکی نود
بطوریکه سرایی بیدن در این خنده
پارده درآمد.

مارسلین با اشاره اورا بیند خود
طلبد و بالاصله صدای یا های منکین
لو در پلکان شنید شده و وازد سان
گردید.
دان زو تو نسبت به درم و ندار
بیزرن اطاعت نوده و زود خارج
شد.

- حاضرم در راه او دست دیگر
خودرا ازدست بدhem.
- این مراسله را توی سارم که
قو میخانه **آن تو** بیر بوفور نیامده
پایه بند او بدهی.

اطاعت پیکم و فرداب انسه
هواجت خواهم کرد.
- دوست عزیز . . . نهن چند روز
دیگر خواهم آمد. آواز شوان خارج
لهه وس از هند دیقه صدای آواز او
هشید شد.

مارسلین بواسطه پریانی و
اضطراب ازیای درآمد بود . مادر
پلی هلت اندوه اورا جو شاهزاده
قام قصایار یون کوکاست برای او
هر چند.

غیر مسکن است . . . آمد . . . خدا
خواب میشم . . . و در اثر شنکن
این حالت من دست داده است .
مارسلین برای آنکه مطیع شود
از پنجه خم و بیخ نهاده کرد .
بوفور مستقیماً بطرف عمارت میامد
مرا پیشیده است حقیقتی بیشین
اواسد ترین جوانان است . . . راستی
قابل برترش است .

غیر مسکن است . . . آمد . . . خدا
خواب میشم . . . و در اثر شنکن
نهطل عزیز . . . نخواهد آمد
بسی ماوسایر در آغاز گرفته
و بوسیه . . . فردای اینجا حر کت کرد و
بايانالخواهی دست . . . گردش و سازنرت
رویه ترا تغیر خواهد داد. اینطور
کنهاهن مر پیشیده است . . .

مارسلین بواسطه پریانی و
اضطراب ازیای درآمد بود . مادر
پلی هلت اندوه اورا جو شاهزاده
قام قصایار یون کوکاست برای او
هر چند.

غیر مسکن است . . . آمد . . . خدا
خواب میشم . . . و در اثر شنکن
نهطل عزیز . . . نخواهد آمد
بسی ماوسایر در آغاز گرفته
و بوسیه . . . فردای اینجا حر کت کرد و
بايانالخواهی دست . . . گردش و سازنرت
رویه ترا تغیر خواهد داد. اینطور
کنهاهن مر پیشیده است . . .

مارسلین بواسطه پریانی و
اضطراب ازیای درآمد بود . مادر
پلی هلت اندوه اورا جو شاهزاده
قام قصایار یون کوکاست برای او
هر چند.

غیر مسکن است . . . آمد . . . خدا
خواب میشم . . . و در اثر شنکن
نهطل عزیز . . . نخواهد آمد
بسی ماوسایر در آغاز گرفته
و بوسیه . . . فردای اینجا حر کت کرد و
بايانالخواهی دست . . . گردش و سازنرت
رویه ترا تغیر خواهد داد. اینطور
کنهاهن مر پیشیده است . . .

کلیه در آمد جمله با سبب دیدگان گران اختصاص دارد
این شاهکار نمایشهای سال از روزه شبه نوروزه
اردیبهشت ماه آغاز میگردد

شب نشی کانون هولیوود
افتتاح ویلز بامبو پناختی افتاد

ویلز بامبو
افتتاح ویلز بامبو باع نایستانی مهابتانه امیریال روز ساخته
اردیبهشت خواهد بود. آ- ۱۰۵۹-

کلیه در آمد جمله با سبب دیدگان گران اختصاص دارد
این شاهکار نمایشهای سال از روزه شبه نوروزه
اردیبهشت ماه آغاز میگردد

شب نشی کانون هولیوود
افتتاح ویلز بامبو پناختی افتاد

کلیه در آمد جمله با سبب دیدگان گران اختصاص دارد
این شاهکار نمایشهای سال از روزه شبه نوروزه
اردیبهشت ماه آغاز میگردد

کلیه در آمد جمله با سبب دیدگان گران اختصاص دارد
این شاهکار نمایشهای سال از روزه شبه نوروزه
اردیبهشت ماه آغاز میگردد

کلیه در آمد جمله با سبب دیدگان گران اختصاص دارد
این شاهکار نمایشهای سال از روزه شبه نوروزه
اردیبهشت ماه آغاز میگردد

کلیه در آمد جمله با سبب دیدگان گران اختصاص دارد
این شاهکار نمایشهای سال از روزه شبه نوروزه
اردیبهشت ماه آغاز میگردد

کلیه در آمد جمله با سبب دیدگان گران اختصاص دارد
این شاهکار نمایشهای سال از روزه شبه نوروزه
اردیبهشت ماه آغاز میگردد

کلیه در آمد جمله با سبب دیدگان گران اختصاص دارد
این شاهکار نمایشهای سال از روزه شبه نوروزه
اردیبهشت ماه آغاز میگردد

دارد کان آتو هیبل و ایشارت هیدل

تعمیر گاه مر کزی واقعه در خیابان فردوسی مبارکه و شاهزاده
ملی تاز کی تخت نظر متخصصین کار آزموده با مواسیل کامل (مکانیکی -
الکتریکی - آهنگری - ریل کاری - غلطی - سواری و غیره) را عابق دلخواه
بوده و اقسام اتوموبیل های (امریکانی) باری و سواری و « اروپایی »
مشتریان با نازلترين اجرت تعمیر و سرویس مینماید
یا بیکنده از این اجره ادعای تعمیر کاه شتاب و رضایت مشتریان در تعمیر کاه
بنده سیس خنده و حشتناکی نوده

مشتریان اقسام اتوموبیل های (امریکانی) باری و سواری و « اروپایی »
باقر شیوه میسد: آ- ۱۲۷۴ ۱۲۷۴

پنجاه هزار ریال وجه نقد

در مقابل بیست ریال

در مقابل مخراج فوق العاده ای که میکنید با خوبی یا بیط خوبی
مادران بهای بیست ریال شناس خودرا آزمایش کنید در تمام مقاومات ها شناخت
بروین برای فروش حاضر است . آ- ۱۲۶۱۰ ۱۲۶۱۰

پنجاه هزار ریال وجه نقد

دوست داشتند بدهم .

- این مراسله را توی سارم که

فو میخانه **آن تو** بیر بوفور نیامده

فرآگرفته بود .

ناکهان مارسلین از کار پنجه

برخاسته دست خود را بیشانی نهاده

فرباد خفیف کشید از دور یکنتر آهسته

یاگ نزدیک شد .

اواسد دست خود را بیشانی نهاده

کنهاهن مر پیشیده است . . .

او سلیمانه شده نمایشگاه را

پلی هلت اندوه اورا جو شاهزاده

قایم قصایار یون کوکاست برای او

هر چند.

غیر مسکن است . . . آمد . . . خدا

خواب میشم . . . و در اثر شنکن

این حالت من دست داده است .

مارسلین برای آنکه مطیع شود

از پنجه خم و بیخ نهاده کرد .

بوفور مستقیماً بطرف عمارت میامد

مرا پیشیده است حقیقتی بیشین

و نجیب ترین جوانان است . . . راستی

قابل برترش است .

پریشانی خود را بیشانی نهاده

او موتوجه نهاده ناملوی بود .

مارسلین تمام شدرا بیشانی خود را

آیهانی که هیشه بانتظار دیدار پنجه

میزدند نشسته و افکارش متوجه یاد

بودهای شدیم کوستانت کریندوال

پریشانی خود را بیشانی نهاده

چه شد؟

- پریشانی خود را بیشانی نهاده

و بوسیه . . . فردای اینجا حر کت کرد و

بايانالخواهی دست . . . گردش و سازنرت

رویه ترا تغیر خواهد داد. اینطور

کنهاهن مر پیشیده است . . .

او سلیمانه شده نمایشگاه را

پلی هلت اندوه اورا جو شاهزاده

قایم قصایار یون کوکاست برای او

هر چند.

غیر مسکن است . . . آمد . . . خدا

خواب میشم . . . و در اثر شنکن

این حالت من دست داده است .

مارسلین برای آنکه مطیع شود

از پنجه خم و بیخ نهاده کرد .

بوفور مستقیماً بطرف عمارت میامد

مرا پیشیده است حقیقتی بیشین

و نجیب ترین جوانان است . . . راستی

قابل برترش است .

پریشانی خود را بیشانی نهاده

چه شد؟

- پریشانی خود را بیشانی نهاده

و بوسیه . . . فردای اینجا حر کت کرد و

بايانالخواهی دست . . . گردش و سازنرت

رویه ترا تغیر خواهد داد. اینطور

کنهاهن مر پیشیده است . . .

او سلیمانه شده نمایشگاه را

پلی هلت اندوه اورا جو شاهزاده

قایم قصایار یون کوکاست برای او

هر چند.

غیر مسکن است . . . آمد . . . خدا

خواب میشم . . . و در اثر شنکن

این حالت من دست داده است .

مارسلین برای آنکه مطیع شود

از پنجه خم و بیخ نهاده کرد .

بوفور مستقیماً بطرف عمارت میامد

مرا پیشیده است حقیقتی بیشین

و نجیب ترین جوانان است . . . راستی

قابل برترش است .

پریشانی خود را بیشانی نهاده

چه شد؟

- پریشانی خود را بیشانی نهاده

و بوسیه . . . فردای اینجا حر کت کرد و

بايانالخواهی دست . . . گردش و سازنرت

رویه ترا تغیر خواهد داد. اینطور

کنهاهن مر پیشیده است . . .

او سلیمانه شده نمایشگاه را

پلی هلت اندوه اورا جو شاهزاده

قایم قصایار یون کوکاست برای او

هر چند.

غیر مسکن است . . . آمد . . . خدا

خواب میشم . . . و در اثر شنکن

این حالت من دست داده است .

مارسلین برای آنکه مطیع شود

از پنجه خم و بیخ نهاده کرد .

بوفور مستقیماً بطرف عمارت میامد

مرا پیشیده است حقیقتی بیشین

و نجیب ترین جوانان است . . . راستی

قابل برترش است .

پریشانی خود را بیشانی نهاده

چه شد؟

- پریشانی خود را بیشانی نهاده

و بوسیه . . . فردای اینجا حر کت کرد و

بايانالخواهی دست . . . گردش و سازنرت

رویه ترا تغیر خواهد داد. اینطور

کنهاهن مر پیشیده است . . .

او سلیمانه شده نمایشگاه را

پلی هلت اندوه اورا جو شاهزاده

قایم قصایار یون کوکاست برای او

هر چند.

غیر مسکن است . . . آمد . . . خدا

خواب میشم . . . و در اثر شنکن

این حالت من دست داده است .

مارسلین برای آنکه مطیع شود

از پنجه خم و بیخ نهاده کرد .

بوفور مستقیماً بطرف

